

امام صادق علیه السلام
وحفظ آرمان
اساسی تشیع
داود الهامی


بسم الله الرحمن الرحیم

امام صادق علیه السلام و حفظ آرمان اساسی تشیع

نویسنده:

داود هامی

ناشر چاپی:

نشریه درسهایی از مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام صادق (ع) و حفظ آرمان اساسی تشیع

مشخصات کتاب

مؤلف: داود الهامی

ناشر: درسهایی از مکتب اسلام، شماره ۳۷۵، تیر ۱۳۷۱

سیر تشیع در ایران

پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) مفهوم حقانیت امام در خاندان پیامبر از نسل امام حسین مطرح شد و وظیفه امامت به هدایت روحانی و مذهبی جامعه منحصر گردید و این امر به وسیله امام زین العابدین و امام باقر (علیه السلام) تبیین شد ولی در زمان امام صادق (علیه السلام) گروهی از سادات حسنی که دست به قیام زدند، امامت را در انحصار اعقاب امام حسین (ع) ندانسته و به نسل امام حسن (علیه السلام) نیز تعمیم دادند و بدین وسیله اصول اساس امامت را که عبارت بود از «نص» و «علم» و «عصمت» انکار نمودند. به اعتقاد شیعه «امامت» مانند نبوت» یک نوع منصب الهی است، همان طوری که خدا هر که را بخواهد برای منصب نبوت انتخاب می کند، همچنان خدا هرکس را بخواهد برای منصب امامت برمی گزیند، او تمامی وظایفی را که پیغمبر به عهده دارد به عهده خواهد داشت با این تفاوت که به امام وحی نمی شود و لازمه داشتن این منصب، عصمت است و امام باید معصوم هم باشد و تنها دوازده نفر از اهل بیت پیغمبر دارای مقام امامت بوده اند و اخبار زیادی راجع به این تعداد، از پیامبر اکرم از طرق شیعه و سنی نقل شده است که از جمله: فرمود: «لا یزالُ الدِّینُ قائِماً حَتّی تَقوُمَ السّاعَةُ وَ یکُونَ عَلَیهِمْ اِثنا عَشَرَ خَلِیفَةً کُلُّهُمْ مِنْ قُرَیشٍ» [۱] (دین همیشه بر پا است تا قیام قیامت و برایشان دوازده خلیفه که همگی از قریشند، فرمانرواست). در مسند احمد بن حنبل آمده است که از عبدالله

بن مسعود سئوال شد آیا پیغمبر به شما خبر داده است عدد خلفا بعد از خودش را؟ گفت: بلی، عدد نقباء بنی اسرائیل دوازده نفرند. [۲] . مفاد این اخبار که از طرق معتبر اهل تسنن است جز بر مذهب شیعه دوازده امامی تطبیق نمی شود و اخبار زیادی از طرق عامه که متضمن نص بر دوازده امام شیعه است، از طرق عامه روایت شده است. علاوه بر این کتابهائی که ذکر شد، سایر علمای اهل تسنن در کتابهای خود به طور پراکنده اخباری در این باره نقل کرده اند سلیمان بلخی در کتاب «ینابیع الموده» باب ۷۷ / ۴۴۴ را اختصاص به این موضوع داده و اخبار زیادی در این باب از شیخین و ترمذی، ابن داود، مسلم، سید علی همدانی و شعبی و ....نقل کرده است. از جمله می گوید: یحیی بن حسن فقیه در کتاب «عمده» از بیست طریق نقل نموده که «اِنَّ الخُلَفاءَ بَعدَ النَّبی صلی الله علیه و آله و سلم اِثنا عَشَرَ خَلیفَهً کُلُّهُم مِن قُرَیشٍ» مرحوم بحرانی در غایه المرام باب ۱۲ را به این موضوع اختصاص داده و احادیثی که در این باره از اهل تسنن وارد شده در آن باب نقل کرده است. در کتاب «کفایه الأثر فی النص علی الأئمه الإثنی عشر» تألیف «علی بن محمد بن علی خزاز رازی یا قمی» روایات اصحاب پیغمبر در رابطه با تنصیص بر عدد و اسامی ائمه اثنی عشر یاد شده است این احادیث به ضمیمه تمامی احادیثی که در کتب شیعه از پیغمبر و سایر امامان اهل بیت در بیان عدد اسامی ائمه هدی (علیه السلام) آورده اند فوق حد تواتر

است. البته نه تنها راجع به تعداد دوازده گانه ائمه اطهار در روایات اهل سنت تصریح شده، بلکه اسامی فرد فرد آنها نیز ذکر شده است مؤلف کتاب «ینابیع الموده» از فرائد السمطین» شیخ الإسلام حموینی از مجاهد از ابن عباس نقل می کند که مردی یهودی به نام «نعثل» مسائلی چند درباره توحید از پیامبر اکرم (ص) پرسید، حضرت پاسخ دادند، نعثل قانع شد اسلام آورد، بعد عرض کرد یا رسول الله هر پیغمبری وصیی داشته، وصی شما کیست؟ حضرت فرمود: «اِنَّ وَصیِّی عَلِیُّ بنُ اَبیطالِب وَ بَعدَهُ سِبطای اَلحسَنُ وَ الحُسینُ تَتلوهُ تِسعةُ اَئِمَّةٍ مِن صُلبِ الحُسَینِ»، نعثل عرض کرد یا محمد اسامی آنها را برای من بیان فرما. حضرت فرمود: «اِذا مَضی الحُسینُ فَاِبنُهُ عَلی، فَاذا مضی عَلی فَابنُهُ مُحمَّدٌ، فاذا مَضی مُحمَّد فَابنُهُ جَعفَرٌ، فَاذا مَضی جَعفرٌ فَابنُهُ موسی، فَاذا مَضی مُوسی فَابنُهُ عَلی، فَاذا مَضی علی فَابنُهُ مُحمَّدٌ، فَاذا مَضی مُحمَّدٌ فَابنُهُ عَلی فَابنُهُ الحَسَنُ، فَاذا مَضی الحَسَن فَابنُهُ الحُجَّهُ مُحمَّدُ المُهدی فَهؤلاء اِثنی عَشَرَ ......» سپس نعثل طرز به شهادت رسیدن هر یک را سئوال کرد و حضرت جواب داد، آنگاه نعثل گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله و اشهد انهم الأوصیاء بعدک» بعد نعثل گفت: آنچه فرمودی در کتب انبیاء پیشین نیز دیده ام و در وصیت نامه حضرت موسی کاملاً ثبت است آنگاه رسول اکرم (ص) فرمود: «طوبی لِمَن اَحبَّهُم وَ اَتبَعَهُم و ویلٌ لِمَن اَبغَضهُم وَ خالَفَهُم» [۳] . (خوشا به حال کسی که آنها را دوست بدارد و متابعت نماید و وای به حال کسی که آنها را دشمن بدارد و مخالفت کند)

شیعه معتقد است چنانچه پیغمبر (ص) دارای تمام علومی که مردم در امور دینی و دنیوی نیازمند به آنها بودند و وظیفه هدایت به سوی حق و حقیقت و اجراء عدالت کامل اجتماعی به وسیله حاکمیت مطلق خود از طرف خداوند برای او ثابت بود. علی (علیه السلام) و یازده نفر از فرزندانش هم تمام این منصبها را از طرف خداوند برحسب نیابت از پیغمبر (ص) داشتند بر مردم واجب بود که در هر زمانی بر سر هر یک از آنها که امام وقت بود گرد آیند و اطاعت او را برعهده گیرند تا امام هم آنها را به آنچه موجب سعادت نهائی آنها است، رهنمون شود. غرض بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) و کناره گیری امام سجاد از صحنه و شروع انقلابات خونین از طرف علویان تمایلاتی افراطی در آئین امامت به وجود آمد و در این جریان وظیفه استراتژیکی امام صادق (علیه السلام) ایجاب می کرد، ضمن حفظ آرمان اساسی تشیع از جذب به ترکیب پدیدار شده از تمایلات افراطی شیعیان نیز در داخل جلوگیری نماید در این تلاش امام صادق (علیه السلام) بیشترین تأکید خود را بر روی دو اصل اساسی نهاد: اصل اول نص و اصل دوم علم است، به این معنی: امامت موهبت الهی است که به شخص برگزیده ای از خاندان پیامبر اعطا می شود و هر امام قبل از رحلتش طبق دستور خداوند، امامت خود را با معرفی و تعیین صریح و روشن (نص) به امام بعدی منتقل می کند و طبق نص صریح امامت از علی (علیه السلام) به حسن از حسن (علیه السلام) به حسین (علیه السلام) تفویض شد

و سپس به ترتیب در نسل پیاپی امام حسین (علیه السلام) ادامه یافت تا به امام جعفر صادق (علیه السلام) رسید و این حقیقت، امامت امام جعفر صادق (علیه السلام) را از مدعیان دیگری که ادعای امامت داشتند، متمایز می کند آنها آشکارا منکر تعیین و نص صریحی بودند که براساس آن علی (علیه السلام) به وسیله حضرت محمد (ص) به امامت رسید و آنها تعیین امام بعدی را به وسیله امام قبلی با نص صریح نمی پذیرفتند بدین جهت امام صادق (علیه السلام) برای اثبات امامت خود و امامان دیگر تأکید زیادی به اصل نص در آئین امامت داشته است. عمرو بن اشعث می گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: «اَتَرون الموصی مِنّا یوصی اِلی مَن یریدُ؟ لا وَ الله وَلکن عَهدٌ مِنَ اللهِ وَ رَسولِهِ صل الله علیه و آلیه و سلم لِرجُلٍ فَرَجلٍ حَتّی ینتَهِی الامرُ اِلی صاحبِهِ» [۴] . شما گمان می کنید هر کس از ما امامان وصیت می کند، به هرکس می خواهد وصیت می کند؟! نه به خدا، چنین نیست، بلکه امر امامت عهد و فرمانی است از جانب خدا و رسولش برای مردی پس از مردی (از ما خانواده) تا به صاحبش برسد (یعنی برسد به امام دوازدهم) و در حدیث دیگری، ابو بصیر می گوید: در خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که نام اوصیاء را بردند و من هم اسماعیل را نام بردم حضرت فرمود: «لا وَالله یا ابا مُحمَّد ما ذاکَ اِلَینا وَ ما هُو الا الی اللهِ عَزَّوَ جَلَّ ینزِلُ واحِداً بَعدَ واحِدٍ» [۵] . (نه به خدا، ای ابا محمد، تعیین امام به اختیار ما نیست، این کار تنها به

دست خداست که درباره هر یک پس از دیگری فرو می فرستد. البته اسماعیل فرزند ارشد امام صادق (علیه السلام) است که در حال حیات امام (علیه السلام) وفات یافت با وجود این فرقه اسماعیلیه او را امام می دانند، در این مجلس ابوبصیر از اسماعیل به عنوان امام نام می برد که حضرت آن را رد می کند. امام صادق (علیه السلام) درباره این که ائمه اطهار جز به عهد و فرمان خدا کاری انجام نمی دهند، به «معاذ بن کثیر» می فرماید: «اِنَّ الوَصیّه نَزَلَت مِنَ السَّماء عَلی مُحمَّدٍ کِتاباً لَم ینزِل علی محمَّد صل الله علیه و آله و سلم کِتابٌ مَختومٌ اِلّا الوَصیهَ....» امر وصیت از آسمان در مکتوبی بر محمد (ص) نازل شد و مکتوب سر به مهر بر پیامبر اکرم نازل نشد مگر درباره وصیت، جبرئیل عرض کرد یا محمد (ص) این وصیت تو است درباره امتت نزد اهل بیتت. رسول خدا فرمود: ای جبرئیل کدام اهل بیتم؟ گفت: برگزیده خدا از میان ایشان و ذریه او(علی و اولادش علیهم السلام) و این وصیت برای این است که علی علم نبوت را از تو به ارث ببرد، چنان که ابراهیم به ارث داد و میراث این علم برای علی (علیه السلام)، و ذرّیه تو از نسل او است. آنگاه امام صادق (علیه السلام) فرمود: آن مکتوب چند مهر داشت، علی (علیه السلام) مهر آن را گشود و به آنچه در آن بود عمل کرد، سپس حسن (علیه السلام) مهر دوم را گشود و به آنچه در آن مأمور شده بود، عمل نمود چون حسن (علیه السلام) وفات کرد، حسین (علیه السلام) مهر سوم را

گشود، دیـد در آن نوشـته است: «جنـگ کن و بکش و کشـته می شوی و مردمی را برای شـهادت همراه خود ببر، برای ایشان شهـادتی جز همراه تـو نیسـت» او هم عمـل کرد و چـون خـواست در گـذرد، پیش از آن مکتـوب را به علی بن الحسـین (علیه السـلام) داد، او مهر چهارم را گشود و دید در آن نوشـته است: سکوت کن و چون علم در پرده شده سر به زیر انداز، چون او خواست وفات کند، آن را به محمد بن علی داد، او مهر پنجم را گشود، دید در آن نوشـته است: «کتاب خدای تعالی را تفسـیر کن و پـدرت را تصـدیق نمـا (مثـل او سـکوت کن) و ارث امامت را به پسـرت بـده و امت را نیکو تربیت کن و به حق خـدای عزوجل قیام نما، و در حال ترس و امنیت حق را بگو و جز از خدا مترس، او هم عمل کرد و سپس آن را به شخص بعد از خود داد. معاذ گوید: من عرض کردم فدایت شوم، آن شـخص شـمائید؟ فرمود: ای معاذ، من از چیزی باک ندارم جز این که بروی و علیه من روایت کنی (یعنی آری منم اما این خبر را به مخالفین و دشـمنان ما مگو) عرض کردم من از خـدائی که این مقام را از پدرانت به تو رسانده است خواسـتارم که تا پیش از وفات شما مانند آن را به فرزندانت عطا کند فرمود: ای معاذ چنین کرده است، عرض کردم: او کیست؟ فرمـود: این شـخص خوابیـده و بـا دست خود به عبـد صالـح (موسـی بن جعفر) اشـاره کرد که خوابیده بود.

[۶] . به همین مضـمون روایات دیگری نیز از امام صادق (علیه السـلام) نقل شده است. [۷] . امام صادق (علیه السلام) در شرح موقیعت امام (علیه السـلام) عبارات روشـنی را بیان داشـته است و اعلام کرده که: «الإمامهُ عَهدٌ مِنَ اللهِ» [۸] امامت میثاقی است بین خدا و انسان و شناسائی امام بر هر مؤمنی واجب است و هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد همچون کافر مرده است «مَن مـاتَ وَ لَیسَ لَهُ امامٌ ماتَ مَیتهَ الجاهِلیهَ» [۹] امام حجت خـدا بر روی زمین است و حجت خـدا بر خلقش بر پا نشود مگر به وجود امام [۱۰] کلمات آنان کلام خـداست و فرامین آنها فرامین خـداست، آنها کاری را جز به فرمان خـدا انجام نمی دهنـد. [۱۱] . امامـان هسـتند که خداونـد مردم را به اطـاعت از آنـان فرمـان داده است: «اَطیعوا اللهَ وَ اَطیعوا الرَّسولَ وَ اُولی الأمرِ مِنکُم» [۱۲] . امام صادق (علیه السـلام) می افزاید: «زمین در هیچ حالی از امام خالی نگردد برای آن که اگر مؤمنین چیزی (در اصول یا فروع دین) افزودند آنها را برگرداند و اگر چیزی کم کردند، برای آنها تکمیل نماید» [۱۳] امامان جانشینان خداوند در روی زمین و درهای توجه به سوی او هستند. [۱۴] . امامان کسانی هسـتند که خداوند همه پلیدی ها را از آنان دور ساخته و آنان را پاک گردانیده است. [۱۵] . امامان تنها راهنمایان دین هسـتند [۱۶] و همچون سـتارگان برای ساکنین آسـمانها و برای حفظ و هـدایت مردم زمین به امـامت برگزیـده شـده انـد. امامان علامات و نشانه هائی هسـتند که خداونـد در قرآن از آنها یاد فرموده است.

[۱۷] . دومین اصلی که درباره امامت، امام ششم بر آن تأکید نموده، علم است این اصل بدان معنی است که هر امامی دارای مجموعه علوم لدنی است که قبل از رحلتش در آخرین دقیقه ای که از روح او باقی مانده است به امام بعد از خود انتقال می دهد [۱۸] علم مخصوص امام شامل معانی ظاهری و باطنی قرآن است امام صادق (علیه السلام) فرمود: «نَحنُ الرّاسِخونَ فِی العِلمِ و نَحنُ نَعلَمُ تأوِیلَهُ»: (راسخون در علم ما هستیم و ما تأویل قرآن را می دانیم). در حدیث دیگری آمده است که: «نَحنُ شَجَرَهُ النُّبوَّهُ و بَیتُ الرّحمَه وَ مفاتیحُ الحِکمه وَ مَعدَنَ العَلمَ وَ موضِعُ الرِّساله و مختلَفِ الملائِکَهِ وَ موضِعُ سرُّاللهِ و نَحنُ وَدیعهُ اللهِ فی عِبادِهِ و نحنُ حَرَمُ اللهِ الأکبرِ وَ نحنُ ذِمَّهَ اللهِ وَ نحنُ عهدُ اللهِ فَمَن و فی بِعَهدِنا فَقَد وَ فی بِعَهدِ اللهِ وَ مَن خفَّ ذِمَّه اللهِ وَ عَهدَهُ ....» [۱۹] . (ما درخت نبوت و بیت رحمت و کلید حکمت و کانون دانش و محل رسالت و آمد و شد فرشتگان و محل راز خدائیم، ما هستیم امانت خدا در میان بندگانش و ما هستیم حرم بزرگ خدا، ما هستیم امان خدا، ما هستیم پیمان خدا، هر که به پیمان ما وفا کند به پیمان خدا وفا کرده و هر که با ما پیمان شکنی کند، پیمان و عهد خدا را شکسته است). امامان علم پیغمبر خاتم و تمام پیغمبران و اوصیاء پیشین خود را به ارث برده اند. مفضل بن عمر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: سلیمان از داود ارث برد و محمد از سلیمان ارث برد و

ما از محمد (ص) ارث برديم، علم تورات و انجيل و بيان آنچه در الواح (حضرت موسى) بود نزد ماست عرض كردم: علم كامل همين است؟ فرمود: اين علم كامل نيست، علم كامل آن است كه روز به روز ساعت به ساعت پديد مى آيد» [۲۰] . شايد علمى كه روز به روز، ساعت به ساعت، براى امام پديد مى آيد همان الهاماتى است كه از نظر مسائل روز و مقتضيات زمان از جانب خداوند متعال به قلب امام افاضه مى شود تا از تمام مردم زمان خويش اعلم باشند. امامان همه قرآن را مى دانند امام صادق (عليه السلام) مى فرمايد: «وَاللهِ اِنّى لَاعلَمُ كِتابَ اللهِ مِن اَوَّلِهِ اِلى آخِرِهِ وَ كَاَنَّهُ فى كَفّى فيهِ خَبَرُ السَّماءِ وَ خَبَرُ الأرضِ وَ خَبَرُ ما كانَ وَ خبرُ ما هُوَ كائِنٌ قال اللهُ عَزَّوجَلَّ: «فيهِ تِبيانُ كُلِّ شَیءٍ» [۲۱] . به خدا كه من كتاب خدا را از آغاز تا پايانش مى دانم، چنانكه گوئى در كف دست من است در قرآن است خبر آسمان و زمين و خبر گذشته و خبر آينده، خداى عزوجل فرمايد: «بيان هر چيز در آن است». امام صادق (عليه السلام) با اعلان اين حقيقت كه علم و اسلحه پيامبر در اختيار اوست، ادعاى نفس زكيه را كه اظهار مى داشت، شمشير پيامبر در پيش اوست. انكار مى كرد سعيد سمان مى گويد: نزد امام صادق (عليه السلام) بودم كه دو مرد زيدى مذهب بر آن حضرت وارد شدند و گفتند: آيا در ميان شما امامى كه اطاعتش واجب باشد، هست؟ (مقصودشان اثبات امامت زيد بن على (عليه السلام) بود) فرمود: نه (امامى كه مقصود شماست در ميان ما نيست)

آن دو نفر گفتند: افراد موثق به ما خبر دادند که شما به آن فتوی دهی و اعتراف کنی و عقیده داری و آن خبر دهندگان فلان و فلان هستند که نام می بریم و ایشان دارای تقوی و کوشش در عبادتند و دروغ نگویند امام صادق (علیه السلام) ناراحت شد و فرمود: من به آنها چنین دستوری نداده ام، چون آن دو نفر آثار ناراحتی در سیمای امام دیدند، بیرون رفتند. حضرت به من فرمود: این دو نفر را می شناسی؟ عرض کردم آری، اینها اهل بازار ما هستند و از طایفه زیدیه می باشند و عقیده دارند که شمشیر پیغمبر (ص) نزد عبدالله بن حسن است امام فرمود: خدای لعنتشان کند، دروغ می گویند به خدا که عبدالله بن حسن آن را ندیده نه با یک چشم و نه با دو چشمش و پدرش هم آن را ندیده، جز این که ممکن است آن را نزد علی بن الحسین دیده باشد اگر راست میگویند چه علامتی در دسته آن است؟ و چه نشانه و اثری در لبه تیغ آن است؟ شمشیر پیغمبر (ص) نزد من است همچنان که پرچم و جوشن و زره و خود پیغمبر نیز در اختیار من است، اگر راست می گویند در زره پیغمبر (ص) چه علامتی است؟ و نیز پرچم پیروزی بخش پیغمبر (ص) پیش من است و همچنین الواح موسی و عصای او، انگشتر سلیمان بن داود نزد من است، طشتی که موسی قربانی را در آن انجام داد، نزد من است و اسمی که نزد پیغمبر (ص) بود و چون (در جنگ) آن را میان مسلمانان و کفار می گذاشت، چوبه تیری از

کفار به مسلمین نمی رسید، نزد من است و من آن را می دانم و همچنین آنچه را که فرشتگان (از اسلحه برای پیامبران سابق) آورده اند، نزد من است و داستان سلاح در خاندان ما همان داستان تابوت است در بنی اسرائیل بر در هر خاندانی که تابوت پیدا می شد، نشانه اعطاء نبوت بود و سلاح به هرکس از ما خانواده رسد، امامت به او سپرده می شود پدرم زره رسول خدا (ص) را پوشیده و دامنش اندکی به زمین کشیده می شد و به قدّ من هم همچنان بود، قائم ما کسی است که چون آن را به تن کند، کاملاً به اندازه قامتش باشد انشاءالله. [۲۲] . طبق احادیث موجود امام صادق برای اثبات حقانیت خود در مقابل مدعیان امامت به دو اصل «نص» و «علم» و داشتن طومارها و اسلحه های پیامبران استناد کرد و این امتیاز و شایستگی ارثی تنها به فرزندانی از فاطمه (علیها السلام) که امامت آنها از جانب خدا معین شده بود، محدود می گشت و بدین ترتیب آن حضرت دعاوی دیگر هاشمیان، اعم از علویان و یا عباسیان را مردود دانست. خلاصه امام صادق (علیه السلام) آرمان اساسی شیعه را ا ز نوع تحریف و انحراف باز داشت و اعتقادات امامت شیعیان را محکمتر نمود و برخی از بزرگان شیعه برای این که از صحت اعتقاد خود اطمینان حاصل کنند، دین و اعتقادات خود را به امام (علیه السلام) عرضه می کردند از جمله کسانی که اعتقاد خود را در حضور امام بیان داشته، و مورد تأیید وی قرار گرفته، عمرو حریث است وی می گوید: گفتم فدایت شوم آیا اجازه می دهی دین و عقیده خود

را به شـما عرضه کنم؟ امام فرمود: بلی ای عمرو. گفتم: دین من این است که گواهی می دهم که هیـچ معبودی به جز خداوند نیست و محمـد بنـده او و فرستاده اوست گواهی می دهم که روز قیـامت بـدون هیـچ تردیـدی فرا خواهـد رسـید و بی گمـان خداونـد مردگـان را از قبر برانگیزد و گواهی می دهم به وجوب نمـاز، پرداخت زکـات، روزه مـاه رمضـان و انجـام حـج برای کسی که استطاعت دارد، گواهی می دهم به ولایت علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین پس از پیامبر خدا که درود خدا بر هر دو باد و ولایت حسن و حسـین، علی بن الحسـین و محمـد باقر (علیهم السـلام) و پس از او بر ولایت شـما شـهادت می دهم که شـما امامان من هستیـد با این اعتقاد زنـدگی می کنم و با این اعتقاد خواهـم مرد و این دینی است که خـدا را با آن عبادت می کنم. همین که سـخن عمرو به اینجا رسـید، امام (علیه السلام) فرمود: «یا عَمرو هذا وَ اللهِ دِینی وَ دِینُ آبائی الَّذی تُدِینُ اللهَ بِهِ فی السِّرِّ وَ العَلانیه فَاتَّقِ اللهَ وَ کَفِّ لِسانَکَ الّا مِن خَیرٍ وَ لا تَقُل اِنّی هَـدَیتُ بَلِ اللهُ هَـداکَ» (ای عمرو! این (عقاید) دین من و دین پدران من است که خدا را در پنهان و آشکار پرستش کردند، از خدا بترس و زبان خود را از گفتن هرگونه سخن به جز آنچه نیک است، نگهـدار و نگو من نفس خودم را هدایت کردم، بلکه خداوند ترا هدایت کرده است و این نعمتی است که خداوند به تو داده و شکر آن را بجاآور ..... [۲۳] . کَشّی، عبارات مشابهی را از

زکریا بن سابق و ابراهیم المخارقی و داود بن یوسف و خالد بن بجلی و حسین بن زباد عطاء و عیسی بن سری و .....ثبت کرده است. [۲۴] . بدین ترتیب امام صادق (علیه السلام) به اعتقادات شیعیان، نظارت کامل داشت و جلو انحرافات آنان را می گرفت و از جمله کسانی که از اعتقادات شیعه امامیه منحرف شده بود و از برکت امام صادق (علیه السلام) از گمراهی نجات یافت سید اسماعیل حمیری شاعر معروف اهل بیت است او در ابتدا معتقد به امامت محمد بن حنفیه و از شیعیان کیسانیه بود. مرحوم مفید می نویسد: سید اسماعیل حمیری پس از آنکه به برکت آن حضرت از مذهب کیسانیه دست کشید و سخن آن حضرت را در رد گفتار خود و دعوتش در اعتقاد به امامت ائمه دین شنید این اشعار را درباره او سرود: ۱- یا راکبا نحو المدینه حسرةً عذا فره یطوی بها کل سَبْسَبٍ ۲- اذا ما هداک الله عاینت جعفراً فقل لولی الله و ابن المهذب ۳- الا یا ولی الله و ابن ولیه اتوب الی الرحمن ثم تأوب ۴- الیک من الذنب الذی کنت مطنباً اجاهد فیه دائباً کل معربٍ ۵- و ما کان قولی فی ابن خوله دانیاً معانده منی لنسل المطیب ۶- ولکن روینا عن وصی محمد(ص) و لم یک فیما قال بالمتکذب ۷- بان ولی الامر یفقد لا ـ یری سنین کفعل الخائف المترقب ۸- فیقسم اموال الفقید کانما تغیبه بین الصفیح المنصَّب ۹- فان قلت لا ـ فالحق قولک والذی تقول فختم غیر ما متعصب ۱۰-واشهد ربی ان قولک حجه علی الخلق طُرّا من مطیع و مذنب ۱۱-بان ولی

الامر و القائم الذی تطلع نفسی نحوه و تطرب ۱۲-له غیبه لا بد ان سیغیبها فصلی علیه الله من متغیب ۱۳- فیمکث حیناً ثم یظهر امره فیملأ عدلاً کل شرق و مغرب ۱-ای کس که بر شتر سخت تندرو سوار گشته و به سوی مدینه روانی و به وسیله آن شتر راههای دور و دراز را در هم پیچی. ۲- خدا ترا هدایت کند هرگاه جعفر بن محمد (علیه السلام) را دیدار کردی پس به آن ولی و آن پاکیزه زاده بگو: ۳- آگاه باش ای ولی خدا و ای پسر ولی خدا، من به سوی خدای مهربان توبه می کنم و سپس بازگشت می کنم. ۴- به سوی تو از گناهی که زمان درازی بدان رفتم، و همواره درباره آن، با هر مرد زبان آوری مبارزه کردم. ۵- و گفتار من درباره پسر خوله (یعنی محمد حنفیه) دینی نبود که من بدان واسطه دشمنی با نژاد پاک و پاکیزه (شما) داشته باشم. ۶- ولی از وصی پیامبر ما که در آنچه گفته است، دروغگو نیست روایت شده: ۷- که ولی خدا مانند شخص ترسان و نگران سالها از دیدگان ناپدید شود. ۸- و دارائی آن گمشده را قسمت کنند، چنانکه گویا از دنیا رفته و در میان سنگهای قبر پنهان شده. ۹-پس اگر می گوئی چنین نیست پس گفتار تو حق است و آنچه تو می گوئی مسلم است بی آن که تعصبی در آن باشد. ۱۰-پس خدا را گواه می گیرم که گفتار تو بر همه مردمان از فرمانبر و از گنه کار حجت است. ۱۱-به اینکه ولی امر و آن امام قائم که جان من به سوی او پرواز

می کنـد و می رود. ۱۲–وی را غیبتی است که به ناچـار بایـد انجام شود، درود خـدا بر آن امام دور از نظر باد. ۱۳– روزگاری در پس پرده بمانـد آنگاه که آشـکار شود و مشـرق و مغرب را از عدل و داد پر کند. مرحوم مفید، پس از نقل اشـعار فوق می گویـد: و این شـعر نشـانه این است که سـید حمیری از مـذهب کیسانیه دست کشـیده و معتقـد به امامت حضـرت صادق (علیه السـلام) شده و دعوت شـیعه در روزگار امام صادق (علیه السلام) به امامت آن بزرگوار آشکار است و نشانه دیگری است که داسـتان غیبت امام زمان (علیه السـلام) در آن زمان گوشزد مردم بوده و این غیبت خود یکی از نشانه های آن بزرگوار است و این گفتار همان است که شـیعیان دوازده امامی بدان معتقدند. [۲۵] . آری امام صادق (علیه السـلام) دارای عظمت و شخصیتی بود که توانست شـیعیان را پیرامون خود جمع کنـد و اغلب آنان را در علم و معرفت و عقیـده با هم هم عقیـده سازد و در یک صف قرار دهد بی آن که در معرض آزار و تبعید و قتل واقع شوند و بنیاد محکمی برای بنای نظام احکام و اصول عقاید شـیعه ریخت و همین بقای مذهب شیعه را در تاریخ تضمین کرد.

پاورقی

[۱] صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴- مسند احمد بن حنبل، ج۵، ص ۸۶-۸۹- کنزالعمال، ج ۱۲، ص۳۳.

[۲] مسند احمد بن حنل، ج ۵، ص ۹۱.

[۳] سـلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ص۴۴-۲۴۲- طبع هشتم، ۱۳۸۵ هـ - بحرانی، غایه المرام، ج ۱، ص ۶۴-۱۶۲.

[۴] کلینی، اصول کافی، ج۱، ص ۲۷۸.

[۵]

کلینی، اصول کافی، ج۱، ص۲۷۷.

[۶] کلینی، اصول کافی، ج۱،ص ۲۷۹-۲۸۰. کلینی، اصول کـافی، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۴، باب ان الائمه علیهم السـلام لم یفعلوا شیئاً و لا یفعلون الا بعهد من الله..» علاوه بر روایت یاد شده سه روایت دیگر نیز در این زمینه نقل شده است.

[۷] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۷.

[۸] همان مدرک ص ۳۷۸.

[۹] کلینی، اصول کافی، ج ۱،ص ۲۷۹. [

[۱۰] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۸۸۷.

[۱۱] همان مدرک، ص ۱۸۷.

[۱۲] همان مدرک ص ۱۷۹.

[۱۳] همان مدرک ۱۹۳.

[۱۴] سوره احزاب آیه ۳۳.

[۱۵] کلینی، اصول کافی، ج ۱،ص ۱۹۱.

[۱۶] همان کتاب، ج ۱، ص ۲۰۷.

[۱۷] همان کتاب ص ۲۷۴.

[۱۸] همان کتاب ص ۲۱۳.

[۱۹] کلینی، اصول کافی، ج ۱،ص۲۲۱.

[۲۰] همان کتاب، ج ۱، ص ۲۲۵.

[۲۱] کلینی، اصول کافی، ج ۱،ص۲۲۹.

[۲۲] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۳۲- رجال کشی، ص ۸-۴۲۷.

[۲۳] کشی، رجال، ص ۴۱۸.

[۲۴] کشی، رجال، ص ۴۱۹ به بعد.

[۲۵] مفید، ارشاد، ص ۲۶۶- ترجمه ارشاد، ج ۲، ص ۲۰۰-۱۹۸.(ص۲۰۲).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹